

## توت عربی فوری...!

کارگاه ترجمه و تعریب	۰۰۳
مونو ترجمه	۰۲۴
تترا ترجمه	۰۸۰
مونو تعریب	۱۰۴
تترا تعریب	۱۳۰
مفهوم	۱۳۸

### ● پاسخ‌نامه تشریحی جامع ۱۵۳ ●

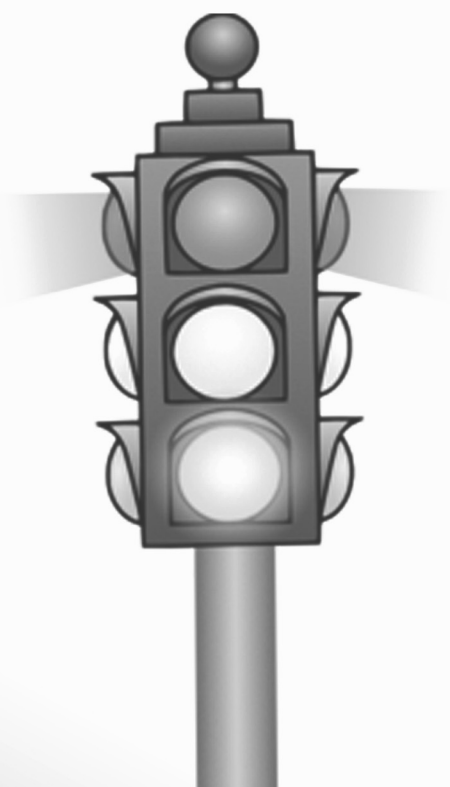
مونو ترجمه	۱۵۳
تترا ترجمه	۱۸۶
مونو تعریب	۱۹۷
تترا تعریب	۲۱۶
مفهوم	۲۱۹

### ● پاسخ‌نامه کلیدی ۲۲۹ ●

# کارگاه ترجمه و تعریب

فعل  
اسم

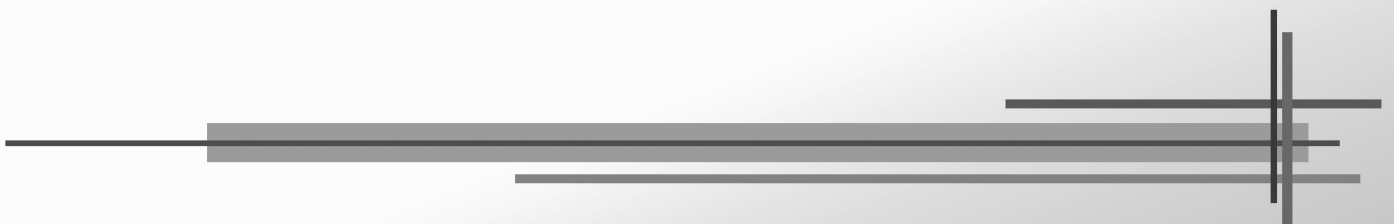
- نکات و قواعد ترجمه و تعریب «فعل و اسم»
- مطابق با سرفصل‌ها و مباحث مطرح شده در آزمون‌های سراسری



راهنده برای سبز شدن چراغ قرمز، پای آن آب ریخت!



پک فنیان مطالعه!



## « کارگاه فعل »

## ۱. زمان فعل

فعل در زبان‌های مختلف، با سه زمان اصلی و پایه‌ی « ماضی / مضارع / آینده » تعریف می‌گردد و در هر یک از آن‌ها به تناسب، زیر شاخه‌های زمانی مختلف ارائه می‌شود؛ البته شایان ذکر است که فعل‌های « امر / نهی » را می‌توان به نوعی مشتقی از فعل مضارع دانست. زبان عربی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و زمان در افعال آن، به شرحی که در ادامه خواهید دید، تفکیک شده است:

## الف. ماضی

فعلی است که در گذشته انجام شده و اثر آن، یا به اتمام رسیده و یا هنوز ادامه دارد...

## ○ ماضی ساده:

در عربی، فعل ماضی در حالت طبیعی و عادی خود، دارای زمان « ماضی ساده » است؛ به عبارتی دیگر، صرف چهارده‌گانه‌ی ریشه‌ی یک فعل، بدون حضور عوامل تأثیرگذار بر آن، زمان ماضی ساده را نشان می‌دهد:

صیغه‌ی مخاطب

کَتَبْتُ : نوشتی ( مؤنث )  
کَتَبْتَ : نوشتی ( مذکر )

کَتَبْتُمَا : نوشتید ( ۲ نفر مؤنث )  
کَتَبْتُمَا : نوشتید ( ۲ نفر مذکر )

کَتَبْتُنَّ : نوشتید ( بیش از ۲ نفر مؤنث )  
کَتَبْتُمْ : نوشتید ( بیش از ۲ نفر مذکر )

صیغه‌ی غایب

کَتَبَتْ : نوشت ( مؤنث )  
کَتَبَ : نوشت ( مذکر )

کَتَبُوا : نوشتند ( ۲ نفر مؤنث )  
کَتَبُوا : نوشتند ( ۲ نفر مذکر )

کَتَبْنَ : نوشتند ( بیش از ۲ نفر مؤنث )  
کَتَبُوا : نوشتند ( بیش از ۲ نفر مذکر )

کَتَبْنَا : نوشتیم ( بیش از ۱ نفر )  
کَتَبْتُ : نوشتم

صیغه‌ی متکلم

## ○ ماضی استمراری:

اگر فعل ناقصه‌ی « کَانَ » و یا یکی از مشتقات آن ( صیغه‌های مختلف ماضی آن )، قبل از فعل مضارع بیاید، زمان ترکیبی آن‌ها ( فعل ناقصه و مضارع با هم )، ماضی استمراری خواهد بود.

✓ بین « کَانَ » و فعل مضارع، می‌تواند با اجزای همان جمله، فاصله بیفتد و متوالی بودن آن‌ها، الزامی نیست!

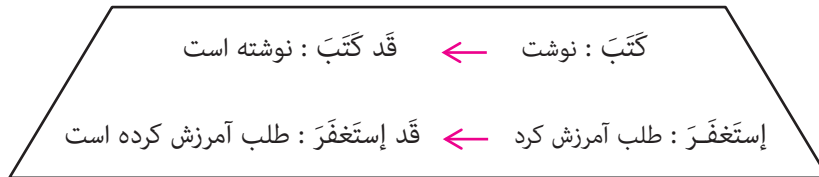
کَتَبَ : نوشت      یَكْتُبُ : می‌نویسد  
کَانَ یَكْتُبُ : می‌نوشت

اِسْتَعْفَرَ : طلب آمرزش کرد      یَسْتَغْفِرُ : طلب آمرزش می‌کند  
کَانَ یَسْتَغْفِرُ : طلب آمرزش می‌کرد



## ○ ماضی نقلی:

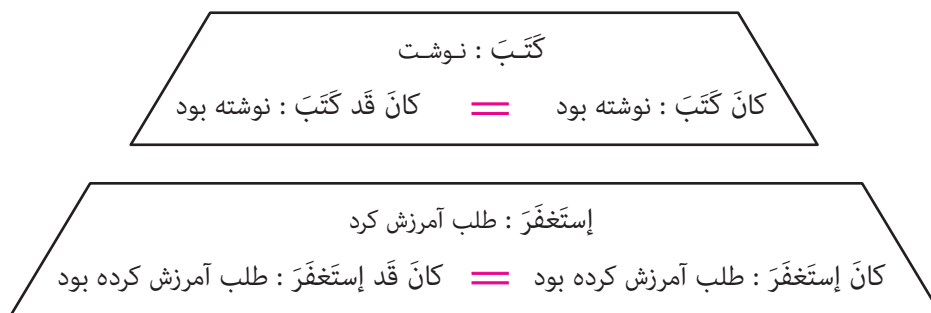
این زمان در عربی، با کمک حرف « قَدْ » ایجاد می‌شود؛ به این صورت که این حرف بر سر فعل ماضی ساده آمده و آن را به ماضی نقلی تبدیل می‌نماید:



## ○ ماضی بعید:

برای ساخت این زمان، از فعل ناقصه‌ی « كَان » و مشتقات آن ( صیغه‌های مختلف ماضی آن ) استفاده می‌شود؛ بدین صورت که این فعل، قبل از فعل ماضی ساده می‌آید.

- ✓ بین « كَان » و فعل ماضی، می‌تواند با اجزای همان جمله، فاصله بیفتد و متوالی بودن آن‌ها بدون فاصله، الزامی نیست!
- ✓ حضور و یا عدم حضور حرف « قَدْ » بر سر فعل ماضی نیز، اختیاری است؛ بنابراین تأثیری بر زمان فعل نخواهد داشت!



## ب. مضارع

فعلی است که در زمان حال، انجام می‌شود و یا تکرار و روال مشخصی برای انجام شدن دارد.

## ○ مضارع اخباری:

در واقع همان زمان حال ساده‌ی خودمان است؛ صرف چهارده‌گانه‌ی فعل مضارع، بدون حضور عوامل تأثیرگذار بر آن، فعل مضارع اخباری خواهد بود:

## صیغه‌ی مخاطب

تَكْتُبُ : می‌نویسی (مذکر)      تَكْتُبِينَ : می‌نویسی (مؤنث)  
تَكْتُبَانِ : می‌نویسید (۲ نفر مذکر)      تَكْتُبَانِ : می‌نویسید (۲ نفر مؤنث)  
تَكْتُبُونَ : می‌نویسید (بیش از ۲ نفر مذکر)      تَكْتُبْنَ : می‌نویسید (بیش از ۲ نفر مؤنث)

## صیغه‌ی غایب

يَكْتُبُ : می‌نویسد (مذکر)      يَكْتُبُ : می‌نویسد (مؤنث)  
يَكْتُبَانِ : می‌نویسند (۲ نفر مذکر)      يَكْتُبَانِ : می‌نویسند (۲ نفر مؤنث)  
يَكْتُبُونَ : می‌نویسند (بیش از ۲ نفر مذکر)      يَكْتُبْنَ : می‌نویسند (بیش از ۲ نفر مؤنث)

أَكْتُبُ : می‌نویسم

نَكْتُبُ : می‌نویسیم (بیش از ۱ نفر)

## صیغه‌ی متکلم

## ○ مضارع التزامی:

این زمان که در فارسی، با ساختار « ( ب ) + بن مضارع + شناسه » خود را نشان می‌دهد ( حرف پ، به این دلیل داخل پرانتز قرار گرفته که می‌تواند از ساختار مذکور، حذف شود! )، در زبان عربی در ساختارهای مختلف ظاهر می‌گردد:

## ❖ عبارت شرطی

یک عبارت شرطی، شامل حداقل دو جمله است که به اولی، فعل شرط و به دومی، جواب شرط می‌گویند؛ فعل شرط می‌بایست به صورت مضارع التزامی ترجمه شود و همچنین ترجمه‌ی جواب آن نیز، به شکل مضارع اخباری خواهد بود:

مَنْ يَجْتَهِدْ فِي دُرُوسِهِ يَنْجَحْ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ هرکس در درس‌هایش تلاش بکند، در امتحانات موفق می‌شود

✓ توجه داشته باشید که حتی اگر فعل‌های موجود در عبارت شرطی، ماضی باشند، باز هم باید مطابق با نکته‌ی فوق، به شکل فعل مضارع ترجمه شوند:

مَنْ اجْتَهَدَ فِي دُرُوسِهِ نَجَحَ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ هرکس در درس‌هایش تلاش بکند، در امتحانات موفق می‌شود

✓ برخی اوقات در ترجمه، حرف « پ » از سر فعل مضارع التزامی حذف می‌شود و این مسأله، هیچ ایرادی ندارد!

## ❖ حروف ناصبه

اگر هر یک از حروف ناصبه به جز « لَنْ »، بر سر فعل مضارع بیایند، ترجمه‌ی آن فعل، به صورت مضارع التزامی خواهد بود:

يَكْتُبُ : می‌نویسد      كَيْ يَكْتُبَ : تا اینکه بنویسد

✓ حروف ناصبه در نکته‌ی فوق، عبارتند از: « أَنْ / كَيْ / لَ / لِكَيْ / حَتَّى / ... »

## ❖ حروف مشبّه بالفعل

هرگاه یکی از دو حرف مشبّه‌ی « لَيْتَ : کاش، ای کاش » و یا « لَعَلَّ : شاید، امید است » بر سر فعل مضارع بیاید، ترجمه‌ی آن به صورت مضارع التزامی خواهد بود:

لَيْتَ التَّلْمِيذُ يَكْتُبُ تَكْلِيْفَهُ : کاش دانش‌آموز، تکالیفش را بنویسد

لَعَلَّ التَّلْمِيذُ يَكْتُبُ تَكْلِيْفَهُ : شاید دانش‌آموز، تکالیفش را بنویسد

## ○ فعل امر:

فعل امر در ثلاثی مجردها، از صیغه‌ی مضارع مخاطب ساخته می‌شود، اما ثلاثی مزیدها، به صورت مستقل، دارای وزن مشخصی برای امر خود هستند.

## ❖ نمونه‌ی سافت فعل امر ثلاثی مجرد

- حذف حرف مضارع از ابتدای فعل مخاطب ( تَد )
- مجزوم کردن آخر فعل ( ساکن کردن فعل‌های بدون « ن » / حذف « ن » از آخر فعل‌های دارای « ن » / بدون تغییر ماندن صیغه‌ی ۱۲ )
- اضافه کردن همزه به ابتدای فعل:

— حرکت کسره برای فعل‌هایی که حرف دوم ریشه‌ی آن‌ها، مفتوح و یا مکسور باشد!

— حرکت ضمه برای فعل‌هایی که حرف دوم ریشه‌ی آن‌ها، مضموم باشد!

تَكْتُبُ : اُكْتُبْ      تَكْتُبُونَ : اُكْتُبُوا      تَكْتُبَنَّ : اُكْتُبْنَ ( صیغه‌ی ۱۲ )

■ وزن‌های امر ثلاثی مزید عبارتند از:

أَفْعِلْ / فَعَّلْ / فَاعِلْ / تَفَعَّلْ / تَفَاعَلْ / اِفْتَعَلْ / اِنْفَعِلْ / اِسْتَفْعِلْ

➤ نکته‌ی مهم در رابطه با افعال امر ثلاثی مزید، حرکت حرف دوم ریشه یا همان « عین الفعل » است؛ اگر به وزن‌های مذکور دقت کنید، متوجه خواهید شد که در تمامی آن‌ها، عین الفعل، مکسور است به جز در دو مورد؛ تنها در دو باب « تَفَعَّلْ / تَفَاعَلْ »، فعل امر، دارای عین الفعل مفتوح است! « تَفَعَّلْ / تَفَاعَلْ »

پ. مُسْتَقْبَل ( آینده )

فعلی است که هنوز انجام نشده و در زمان آینده به وقوع خواهد پیوست.

✓ برای ایجاد این زمان، باید یکی از کلمات « سَدَ / سَوْفَ » بر سر فعل مضارع بیاید؛ دقت داشته باشید که فقط و فقط یکی از آن‌ها!

( آله هر دو تا رو آوردی، دیگه بی‌خیال نمره شو...!!! )

يَكْتُبُ : می‌نویسد

سَيَكْتُبُ : خواهد نوشت      سَوْفَ يَكْتُبُ : خواهد نوشت

سَوْفَ سَيَكْتُبُ : نادرست

✓ برای ساخت فعل مستقبل منفی ( آینده‌ی منفی )، از یک حرف ناصبه ( لَنْ ) استفاده می‌شود که در ادامه، معرفی خواهد گردید.

## ۲. فعل منفی

افعال منفی به شیوه‌های مختلفی ساخته می‌شوند که هریک بیانگر زمان خاصی از فعل هستند؛ ساختار این افعال که در پاسخ‌گویی به سؤالات ترجمه و تعریب، بسیار راه‌گشا می‌باشند، عبارتند از:

- ما + فعل ماضی = ماضی ساده منفی

کَتَبَ : نوشت      ما کَتَبَ : ننوشت

- لا + فعل مضارع = مضارع اخباری منفی

يَكْتُبُ : می‌نویسد      لا يَكْتُبُ : نمی‌نویسد

- لَمْ + فعل مضارع = ماضی ساده منفی ( نقلی منفی )

يَكْتُبُ : می‌نویسد      لَمْ يَكْتُبُ : ننوشت ( ننوشته است )

- لَمَّا + فعل مضارع = ( هنوز ) + ماضی نقلی منفی

يَكْتُبُ : می‌نویسد      لَمَّا يَكْتُبُ : ( هنوز ) ننوشته است

- ما + کَانَ + فعل ماضی = کَانَ + ما + فعل ماضی = ما + کَانَ + قَدْ + فعل ماضی = ماضی بعید منفی

کَتَبَ : نوشت  
ما کَانَ کَتَبَ = کَانَ ما کَتَبَ = ما کَانَ قَدْ کَتَبَ : ننوشته بود

- ما + کَانَ + فعل مضارع = کَانَ + لا + فعل مضارع = لَمْ + مضارع مجزوم « کَانَ » + فعل مضارع = ماضی استمراری منفی

يَكْتُبُ : می‌نویسد  
ما کَانَ يَكْتُبُ = کَانَ لا يَكْتُبُ = لَمْ يَكُنْ يَكْتُبُ : نمی‌نوشت

- لَنْ + فعل مضارع = ( هرگز ) + مستقبل منفی

يَكْتُبُ : می‌نویسد      لَنْ يَكْتُبَ : ( هرگز ) نخواهد نوشت

## ۳. فعل معلوم و مجهول

فعل معلوم، دارای فاعل و بعضاً مفعول به می‌باشد ( اگر فعل متعدی باشد، دارای مفعول و اگر لازم باشد، بدون مفعول خواهد بود )، لذا در ترجمه، باید فاعل و مفعول آن، بیان شود؛ در طرف دیگر، فعل مجهول، به جای فاعل، نائب فاعل داشته، اما مفعول به ندارد، بنابراین ترجمه‌ی اسمی به صورت مفعول برای ساختار جمله‌ی مجهول، نادرست است ( مگر اینکه فعل اولیه‌ی جمله، دو مفعولی بوده باشد )؛

كُتِبَ عَلَى مَقَالَةٍ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ : على، مقاله‌ای را در سال گذشته نوشت  
كُتِبَتْ مَقَالَةٌ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ : مقاله‌ای در سال گذشته نوشته شد

## ۴. جمله‌ی وصفیه / حالیه

در عباراتی که جمله‌ی وصفیه و یا حالیه در آن‌ها وجود دارد، حداقل می‌بایست دو جمله داشته باشیم که یکی از آن‌ها، همان جمله‌ی وصفیه و یا حالیه و دیگری جمله‌ی شامل موصوف و یا ذوالحال می‌باشد. به دلیل اینکه این دو جمله، از لحاظ معنایی به یکدیگر وابسته هستند، لذا ترجمه و زمان فعل‌های آن‌ها نیز، مؤثر از یکدیگر خواهد بود. این تأثیر و ارتباط به شکل زیر می‌باشد:

## الف. جمله‌ی وصفیه

شرط اول برای وجود جمله‌ی وصفیه، یک اسم نکره، قبل از آن است که در واقع، موصوف همان جمله می‌باشد. برای ترجمه‌ی این جمله، ابتدا از حرف ربط « که » استفاده می‌شود و سپس ادامه‌ی جمله، به صورت زیر:

## ۱. فعل ماضی + فعل ماضی ( جمله‌ی وصفیه ) : ماضی بعید ( ساده )

قَرَأْتُ مَقَالَةً أَخَذْتُهَا أَمْسٍ : مقاله‌ای را خواندم که دیروز آن را گرفته بودم ( گرفتم )

## ۲. فعل ماضی + فعل مضارع ( جمله‌ی وصفیه ) : ماضی استمراری

رَأَيْتُ حَدِيقَةً يُحِبُّهَا أَبِي : باغی را دیدم که پدرم آن را دوست می‌داشت

## ۳. فعل مضارع + فعل مضارع ( جمله‌ی وصفیه ) : مضارع التزامی

أَذْهَبُ إِلَى طَبِيبٍ يُعَالِجُنِي سَرِيعًا : نزد پزشکی می‌روم که مرا خیلی زود معالجه بکند

برای ترجمه‌ی فعل‌هایی که دو حالت ترجمه دارند، اولویت با شکل اول است، اما با توجه به گزینه‌ها و مقایسه‌ی آن‌ها با یکدیگر، هر یک از دو حالت، می‌تواند صحیح باشد و الزام و اجباری به انتساب قطعی یکی از آن‌ها نیست!

## ب. جمله‌ی حالیه

این نوع از جمله، بر خلاف مورد قبلی، نیاز به یک اسم معرفه، قبل از خود دارد که به آن ذوالحال جمله‌ی حالیه می‌گوییم. در ترجمه‌ی این جمله، « در حالیکه / که » در ابتدای آن می‌آید و سپس ادامه‌ی جمله به صورت زیر:

۱. فعل ماضی + فعل ماضی دارای « قَدْ » (جمله‌ی حالیه) : ماضی بعید ( ساده )

جاءَ التِّلْمِیذُ وَ قَدْ ذَهَبَ الْمُعَلِّمُ : دانش‌آموز آمد در حالیکه معلم رفته بود ( رفت )

۲. فعل ماضی + فعل مضارع (جمله‌ی حالیه) : ماضی استمراری

ذَهَبَ التِّلْمِیذُ یَضْحَكُونَ بِأَعْمَالِهِمْ : دانش‌آموزان رفتند در حالیکه به کارهایشان می‌خندیدند

## ۵. تأثیر معنایی حروف جرّ

حروف جرّ ( جَارّة )، علاوه بر معنای مستقلّ خود و تأثیری که بر اعراب اسم پس از خود دارند، در برخی موارد معنای جدیدی بر فعل و یا اسمی دیگر، وارد می‌کنند:

✓ برخی از فعل‌ها، می‌توانند حرف جرّی را پذیرفته و دچار تغییر معنا شوند؛ بدین معنا که به صورت تنها، دارای یک ترجمه و در حضور حرف جرّ، دارای ترجمه‌ای دیگر خواهند بود:

جاءَ : آمد      جاءَ بِ : آورد

بَحَثَ : بحث کرد      بَحَثَ عَنْ : جستجو کرد

قَامَ : برخاست      قَامَ بِ : اقدام کرد به

✓ اگر حرف جرّ « عَلَی » بر سر ضمایر مجروری بیاید، با توجه به لحن و بیان عبارت، می‌تواند معنای « باید / می‌بایست / واجب است / لازم است » را داشته باشد:

عَلَى + كُمْ = عَلَیْكُمْ ( بر شما لازم است، شما باید ... )

عَلَى + هُ = عَلَیْهِ ( بر او واجب است، او می‌بایست ... )

✓ در برخی موارد، حرف جرّ « لَ » با اسم پس از خود، معنای فعل « داشتن » دارد که باید از نوع و بیان جمله تشخیص داده شود:

لَكُمْ كُتُبٌ كَثِيرَةٌ : شما، کتاب‌های زیادی دارید

لِي قَلَمٌ جَمِيلٌ : من، قلم زیبایی دارم

○ البته روش دیگری هم برای ساخت فعلِ « داشتن » در ترجمه وجود دارد و آن، حضور کلمه‌ی « عِنْد » بر سر اسمی دیگر است:

عِنْدَنَا آمَالٌ كَثِيرَةٌ : ما، آرزوهای زیادی داریم

عِنْدَهُمْ آلامٌ شَدِيدَةٌ : آن‌ها، دردهای شدیدی دارند

○ حضور فعل ناقصه‌ی « كَانَ » بر سر جملات فوق، زمان فعل « داشتن » را به ماضی تبدیل می‌کند:

كَانَتْ لَكُمْ كُتُبٌ كَثِيرَةٌ : شما، کتاب‌های زیادی داشتید

كَانَتْ عِنْدَنَا آمَالٌ كَثِيرَةٌ : ما، آرزوهای زیادی داشتیم

#### ۶. اسامی اشاره « هُنَا / هُنَاكَ »

این دو کلمه که از اسامی اشاره‌ی مکانی هستند، به دو شکل ترجمه می‌گردند:

✓ اگر این اسامی در میانه‌های جمله بیایند، به ترتیب دارای ترجمه‌ی « این‌جا / آن‌جا » خواهند بود:

أَنَا قَدْ جِئْتُ مِنْ هُنَاكَ : من از آن‌جا آمده‌ام

✓ اگر در ابتدای جمله‌ی اسمیه آمده و پس از آن‌ها اسمی مرفوع بیاید، به صورت فعل « وجود داشتن » ترجمه می‌شوند:

هُنَاكَ مَسَاجِدُ كَبِيرَةٌ : مسجدهای بزرگی وجود دارد

#### ۷. نواسخ

نواسخ به سه دسته تقسیم می‌شوند که فارغ از تأثیر قاعده‌ای و اعرابی آن‌ها، ترجمه‌ی هر کدام بدین شرح است:

#### الف. افعال ناقصه

كَانَ (بود)	لَيْسَ (نیست)	مَادَامَ (تا زمانی که، مادامی که)
أَصْبَحَ (گشت، گردید، شد)	صَارَ (گردید، شد)	

## ب. حروف مشبَّهه بالفعل

إِنَّ (همانا، به درستی که)	أَنَّ (که)	كَأَنَّ (گویا)
لَيْتَ (کاش)	لَكِنَّ (ولی، اما)	لَعَلَّ (شاید، امید است)

## پ. «لا» نفی جنس

ساختار: «لا + اسم نکره‌ی مفتوح + خبر» ترجمه: «هیچ ..... نیست»

لا كِتَابَ فِي الْمَحْفَظَةِ : هیچ کتابی در کیف نیست!

➤ «ما» کافه، نام حرفی است که به حروف مشبَّهه، متصل شده و آن‌ها را از کار می‌اندازد؛ ترکیب حروف مشبَّهه با این حرف، کلمه‌ی خاصی را به ترجمه‌ی جمله اضافه می‌کند و آن عبارت است از «فقط/ بی شک / تنها / ...» :

المؤمنون إخوة : مؤمنان برادرند ← إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ : فقط (تنها) مؤمنان برادرند!

## ۸. افعال مقاربه (شروع) : «أَخَذَ / جَعَلَ / بَدَأَ / شَرَعَ / ...»

اگر این افعال، در ساختار زیر قرار بگیرند، فعل مضارع (فعل دوم) به صورت مصدر و خود آن‌ها به معنای «شروع کردن» خواهند آمد:

«أَخَذَ / جَعَلَ / بَدَأَ / شَرَعَ / ...» + اسم مرفوع + ... + فعل مضارع + ...

أَخَذَ عَلَيَّ يَكْتُبُ تكالیفه : علی شروع به نوشتن تکالیفش کرد

## ۹. أسلوب تعجب

ترجمه‌ی این أسلوب که دارای ساختار زیر است، همراه با کلماتی چون «چه / چقدر» می‌آید:

ما + اسم/فعل بر وزن «أَفْعَلَ» + اسم منصوب

هذا البحرُ جَمِيلٌ : این دریا، زیباست ← ما أَجْمَلَ هذا البحرَ : این دریا، چه زیباست!



## ۱۰. مفعول مطلق

یکی از موارد مهم و پرکاربرد مفعول مطلق، مصدر منصوب هم ریشه و هم جنس با فعل قبل از خود است که با توجه به شرایط اسمی پس از خود، به دو نوع «تأکیدی / نوعی (بیانی)» تقسیم می‌گردد:

- مفعول مطلق تأکیدی: مفعول مطلق است که پس از آن، صفت یا مضاف‌إلیه نیاید! (پیزای دیگه می‌تونه بیارا ...)
- مفعول مطلق نوعی (بیانی): مفعول مطلق است که پس از آن، صفت یا مضاف‌إلیه بیاید! (یادت نره پمله وصفیه هم، نوعی صفته!)

✓ حال با توجه به توضیحات فوق، مفعول مطلق، به سه شکل ترجمه می‌شود:

الف. مفعول مطلق تأکیدی: به همراه قیود تأکید از قبیل «حتماً / یقیناً / مطمئناً / قطعاً / بی شک / ...» بیان می‌شود.

كَرَّمَ التَّلْمِیذُ مُعَلِّمَهُ تَكْرِیْمًا : دانش‌آموز، معلمش را قطعاً گرامی داشت

ب. مفعول مطلق نوعی دارای مضاف‌إلیه: برای این مورد، باید از قیود تشبیه «مانند / همچون / مثل / ...» استفاده نمود.

إِنَّ الْفُرْصَةَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ : بدستیکه فرصت همچون ابر می‌گذرد

پ. مفعول مطلق نوعی دارای صفت: باید از قیودی مانند «بسیار / به نیکی / سخت / ...» در ترجمه‌ی این نوع، بهره جست:

فَإَصْبِرْ صَبْرًا جَمِیلًا : پس بسیار صبر کن / پس به نیکی صبر کن

## ۱۱. مُسْتَثْنٰی

نقش مستثنی، بر دو نوع «تام / مفرغ» بوده و از میان این دو نوع، ترجمه‌ی مستثنی تام به شکل عادی و بر حسب لفظ جمله است، اما مستثنی مفرغ، می‌تواند دارای ترجمه‌ای خاص باشد:

با توجه به اینکه مستثنی مفرغ در اسلوب جمله‌ای نفی، نهی و یا پرسشی دارای «هَل» می‌آید، لذا این ساختار به دو صورت منفی و مثبت، ترجمه خواهد شد؛ صورت مثبت آن که با قید تأکید و انحصار همراه می‌باشد، نسبت به شکل منفی آن، دارای ارجحیت بیشتری است، اما هر دو شکل صحیح بوده و می‌بایست با توجه به بررسی سایر گزینه‌ها و کلمات موجود در هر یک، پاسخ صحیح را مشخص نمود:

مَادَّهَبَ إِلَى الْبَيْتِ إِلَّا تَلْمِیْذٌ وَاحِدٌ :

فقط یک دانش‌آموز به خانه رفت! به خانه نرفت مگر یک دانش‌آموز!

اسلوب نفی

اسلوب نهی

لا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ :

(۱) فقط خدا را بپرستید! (۲) نپرستید مگر خدا را!

اسلوب پرسشی

هَلْ جزاءُ الإحسانِ إِلَّا الإحسانُ؟ :

پاداش نیکی، فقط نیکی است! آیا پاداش نیکی، جز نیکی است؟!

## چند نکته:

❖ کاملاً دقت داشته باشید که اگر در عبارتی، فعل داشتید، در ترجمه نیز می‌بایست به شکل فعل بیاید، نه مصدر و اسم (به جز موارد مذکور در گذشته) و همچنین بالعکس، یعنی اگر مصدر (اسم) در جمله حضور داشت، بدون دلیل، حقی برای ترجمه‌ی آن به صورت فعل، وجود ندارد!

أَنَا أُحِبُّ إِرْشَادَ أَصْدِقَائِي : من راهنمایی کردنِ دوستانم را دوست دارم

ترجمه‌ی عبارت فوق به شکل زیر، به علت مصدر بودن «إرشاد» و ترجمه شدنش به صورت فعل، نادرست است:

« من دوست دارم دوستانم را راهنمایی کنم »

❖ اگر در عبارتی جمله‌ی اسمیه وجود داشت، ترجمه‌ی آن به همان صورت اسمیه، در اولویت است و بالعکس، یعنی برای جمله‌ی فعلیه نیز، همین نکته برقرار می‌باشد:

الْتَّلَامِيذُ نَاجِحُونَ فِي دُرُوسِهِمْ

دانش‌آموزان در درس‌هایشان موفق هستند (درست)

دانش‌آموزان در درس‌هایشان موفق می‌شوند (نادرست)

○ مباحثی که تا بدین‌جا مطرح شدند، مربوط به فعل و ترکیب‌های فعلی در جمله بوده و شاید به نوعی بتوان بیان داشت که مهم‌ترین و کلیدی‌ترین روش برای پاسخ‌گویی به سؤالات ترجمه و تعریب می‌باشند؛ اما قسمت مهم دیگر، نکات مربوط به اسم و قواعد پیرامون آن است که در ادامه به تفصیل، ارائه می‌گردند...